

پیش بینی اشغال افغانستان از سوی شوروی: سند اجتماع استخباراتی

یا

(داستان کودتاها در افغانستان: از کودتای 26 سرطان تا کودتای ثور و کودتاهای بعدی...)

قسمت - 6

برگردان: خلیل

اعتذار: با عرض معذرت به حضور خوانندگان محترم، به علت اشتباه محاسباتی از شروع این سریال، باید زیرنویس ها منظمأ در هر بخش ارایه می شدند، که نشدند. حالا متوجه شدم که در آخر یک حجم کلان زیرنویس ها باقی می ماند که نه بصورت یکجائی با بخش آخری، و نه هم به تنهایی قابل ارایه نیستند. با عرض معذرت دوباره، سراز همین بخش، زیرنویس مربوط هر بخش را ارایه میدارم. باقی مانده انشا الله در ختم خواهند آمد. خ

نبرد تن به تن دیگر در ارگ

در عین روزی که این اطلاعیه به مقامات پالیسی سزایالات متحده فرستاده شد، یک بحران جدید رهبری در کابل وقوع یافت. در شام 14 سپتامبر (نیمه روز واشنگتن) رادیوی کابل برکناری چهار مقام ارشد را اعلام نمود. وطنجار وزیر داخله، گلاب زوی وزیر مخابرات، مزدوریار وزیر امور قبایل، و سروری رئیس استخبارات (AGCA)، که شامل پلیس مخفی نیز می شد. اعلامیه رادیو حاکی بود که برکناری ها در اثر سپارش امین و تأیید تره کی انجام گرفته بود. سفارت امریکا در کابل گزارش داد، اندکی پیش از آنکه برکناری ها اعلام شوند، عساکر و وسایط زرهی قصر ریاست جمهوری را محاصره نموده و آغاز به استقرار در موقعیت های کلیدی در پای تخت نمودند. (این مرتبات نظامی از فرقه 4-ام زره دار بودند، که در یک و نیم سال قبل عین وظایف را در جریان کودتا انجام دادند). صداهای فیر در ساحت قصر بگوش رسیده بودند.⁷⁶



منظره ای از مدخل ارگ (خانه خلق) در آن سالها (تزیینی)

دو روز بعد، به تاریخ 16 سپتامبر، رادیوی کابل اعلام نمود که یک "اجلاس فوق العاده" کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. تدویر گردید و اینکه تره کی "درخواست نمود که از مقام های رهبری حزب و حکومت در اثر عوامل صحی و (عدم) ظرفیت فزیکتی" سبکدوش شود. اعلامیه حاکی بود که امین برای جایگزینی تره کی به حیث منشی عمومی حزب تعیین شد. هیئت عالی حکومت، یا "شورای انقلابی"، نیز در همان روز تشکیل جلسه داده، مطابق پخش رادیو، "درخواست" تره کی را برای سبکدوشی از پست ریاست این شورا "تصویب نموده" و امین را بحیث جانشینش تعیین کرد.⁷⁷



یکی از عوام فریبی های امین: "هم داکوی هم دا...." (تزیینی)

در روزهای بعدی، استخبارات ایالات متحده باردیگر فعالیت های تشدید در نیروهای جنگی شوروی در برابر سرحدات افغانستان را شناسایی کردند. یک هنگی از فرقه هوایی 105-ام گارد باردیگر وضعیت قطاری (ستونی) بخود گرفته، ظاهر آ داشت برای استقرار آماده می شد. نبرهای زرهی و سلاحهای سنگین میدانی که درحالات نورمال در ذخایر پوشیده حفظ می شدند باردیگر برای بارگیری در ترانسپورت هوایی موقعیت می گرفتند. همچنان بسیج قسمی در فرقه - 58-ام زمینی تفنگ دار موتوریزه، با موقعیت در قزل آروات، در غرب کشک- به نظر میرسید در حال وقوع باشد که از جمله آنانی نبود که در ماه مارچ مشغول چنین فعالیت ها بودند. این کار تعداد چنین فرقه ها را در این منطقه به سه بالا برد که در ماههای اخیر در حال بسیج دیده شده بودند. دوفرقه هوایی واقع در فواصل بعید از سرحد افغان- فرقه 10-ام در ماورای قفقاز و فرقه 98-ام در اودیسه- نیز به نظر میرسید برای استقرار آماده می شوند. فعالیت در همه این نیروها تا به آغاز ماه اکتبر ادامه یافت، یعنی زمانیکه همه شان به گار نیزونهای شان برگشتند.⁷⁸



یک صحنه از آمادگی های رزمی در داخل خاک شوروی (تزیینی)

به تاریخ 19 سپتامبر، وزارت خارجه در اطلاعیه مطبوعاتی اش یک اظهاریه ای را علاوه نمود که ایالات متحده "فعالیت رو به افزایش" در واحد های نظامی در نزدیکی سرحدات افغانستان را مشاهده کرده است. اظهاریه حاکی بود که در حالی که هدف این فعالیت ها را نمی توان تصدیق نمود، ایالات متحده "خواهان تأکید مجدد مخالفت [خودش] در برابر هرگونه مداخله در امور داخلی افغانستان است."⁷⁹ در عین همان روز، بریژنسی مشاور امنیت ملی رئیس جمهور را آگاه ساخت که او معتقد است که اشغال (افغانستان از سوی) شوروی دارد بیشتر محتمل می شود. یک روز بعدتر، مقامات از پویائی های مختلف ایالات متحده برای بررسی پلانهای مرتبط با این انکشاف بالقوه ملاقات نمودند، و بریژنسی از DCI خواهان آماده کردن یک برآورد (ارزیابی) "درباره گرفتاری شوروی در افغانستان تا این تاریخ شد، تا که بشود بین مداخله خزنده و مستقیم تفاوت گذاشت."⁸⁰

در عین زمان، معلوما بدست آمده از منابع متفاوت جزئیات حوادثی را فراهم می کردند که باعث به میان آمدن تغییر ناگهانی در رهبری رژیم افغان گردیدند.⁸¹ اندک روزهایی پیش از فیرکانی در قصر ریاست جمهوری، تره کی - دربرگشت از کنفرانس هاوانا- توفقی در مسکو برای کنکاش و گفتگو داشت. به تعقیب برگشت تره کی به کابل، امین خواستار شد که چهار مقامی را که او در توطئه چینی برای برکناری اش متهم میکرد، فوراً برکنار شوند. (مطابق گزارشات یا شایعات او بطور پنهانی توسط همدمستان خودش از این امر اطلاع یافته بود.) تره کی به درشتی این خواست را رد، اما امین با گردنکشی آن چهار مقام را برکنار نمود. تره کی با فراخواندن امین به یک جلسه در قصر ریاست جمهوری به تاریخ 14 سپتامبر عکس العمل نشان داد. (گزارشهای بعدی ای وجود داشتند که سفیر شوروی در تنظیم این جلسه نقش داشته و امین را برای شرکت

در آن ترغیب کرده بود.) وقتی امین وارد قصر شده و آغاز به بالا رفتن از زینه ها به سوی مقر تره کی می نماید، یک یا چند تن از گاردهای امنیتی قصر - قرارشایعات تحت رهنمائی یکی از توطئه گران برطرف شده - تلاش کرد بر او تیز اندازی نماید. امین بخاطر مساعی فرمانده نیروی امنیتی قصر، (شاید ترون.خ) یکی از حامیان پنهانی امین که در این تیراندازی کشته شد (و بعداً به حیث قهرمان مورد تقدیر و تمجید قرار گرفت)، جان بدربرد. امین فرار کرده، و فوراً حرکت نظامی اش را برای تصرف قدرت راه اندازی کرد (یعنی کودتای دیگر.خ).



تره کی در "اوج" قدرت دیدارهایی از مسکو داشت (ترنین)

غیر محرز بودن (بلا تکلیفی) مسئله نقش شوروی را فرا گرفته بود. تحلیل گران استخباراتی ایالات متحده منبأب آزمایش نتیجه گیری میکردند که این عمل امین می تواند یک حرکت پیشدستانه در برابر سبقت گرفتن از یک توطئه شوروی برای عزل کردن خودش توسط تره کی باشد". گزارشهای متفاوت و متضادی که از طریق (منابع) دیپلماتیک و سایر چینل ها میرسیدند شامل اتهاماتی بودند که تره کی این پلان را در طی توقفش در مسکو مورد بحث قرار داده، و اینکه یک تن از جانبداران امین، که شامل هیئات سفر تره کی بود از آن مطلع شده و به امین هشدار داده بود. این داستان ها طوری فرق می کردند که آیا دسیسه از سوی توطئه گران افغان نشأت کرده و از سوی شوروی ها حمایت شده، یا تره کی از سوی مسکو ترغیب شده بود. سفارت ایالات متحده در کابل، به نوبه خود، در اینکه توطئه در مسکو مورد بحث قرار گرفته باشد مشکوک بود.

جای و محل سکونت تره کی در پی آمد فوری اعلان برکناری اش در ابتدا نامعلوم بود. داستانهای دست بدست می شدند که او در جریان تیراندازی در قصر ریاست جمهوری به تاریخ 14 سپتامبر، اگر کشته نه شده باشد، دست کم مجروح شده. سفارت (امریکا) متعاقباً آگاه شد که او زنده بوده اما در قصر ریاست جمهوری محبوس است. در هفته های بعدی گزارش هایی وجود داشتند که سه نفر از توطئه گران (وطنجار وزیر دفاع، سروری رئیس استخبارات، و گلاب زوی وزیر امور قبایل) فرار کرده، و در مجتمع نمایندگی شوروی در کابل پنهان شده اند، با اینکه سفارت ایالات متحده بار دیگر مشکوک بودندش را راجع به این داستانها ابراز داشت. (اما موثق بود که توطئه گر چهارمی، مزدور یار وزیر مخابرات، دستگیر شده و در تحت حبس خانگی قرار داده شده است.)⁸²

تصویر هر چه قدر هم که تیره و تاریک بود، مگر یک نقطه ای بود که روی آن گزارشات تقریباً متفق القول بودند، و آن عبارت بود از اینکه مسکو از این پیامد خوش حال نبود. میدیای خبری غربی خاطر نشان کردند که امین یک مشکل اساسی در برابر مساعی شوروی برای دریافت یک راه حل سیاسی به هرج و مرج در افغانستان بود. جامعه استخباراتی نتیجه گیری نمود که شورویها احتمالاً معتقد اند که کودتای امین اساس استحکام رژیم را ضعیف ساخته و وظیفه عملیات نظامی و سیاسی را حتی بیشتر مشکل کرده است. یک اطلاعیه میان سازمانی منتشره به تاریخ 28 سپتامبر، تهیه شده در پاسخ درخواست بریژنسکی در یک هفته قبل، حاکی بود که "مسکو احتمالاً وضعیت را حتی بیشتر ناپایدار و متزلزل می بیند... [و] شاید هراس دارد که این کودتا (کودتای امین) باعث پاره پاره شدن ارتش افغان شده و منجر به فروپاشی کنترل در کابل گردد". این گزارش می گفت که "چنان معلوم می شود که تهدید بروز کرده از سوی شورشیان اسلامی در برابر بقای حکومت مارکسیست در افغانستان در مقایسه با هر زمان دیگری از حین در دست گرفتن قدرت از سوی حکومت در ماه اپریل 1978 جدی باشد".⁸³



امین در دیدار با گرومیکو شاید حین بازگشت از هاوانا(ترنینی)

دیدگاه و برداشت جامعه استخباراتی راجع به بدیل های نظامی شوروی

در 28-ام سپتامبر 1979 اطلاعاتی بین سازمانی استخباراتی همچنان یک بررسی ژرفی ارایه کرد ازاینکه درچه وضعیتی در طولانی مدت محتمل بود تا دخالت نظامی مسکو در افغانستان جلو برود. این اطلاعاتی برجسته می ساخت که تعداد تخمینی مشاورین نظامی شوروی در افغانستان از 350 تن در زمان حدوث کودتای کمونیستی به چیزی در حدود 750-1000 در آغاز سال 1979، و به 2500 در زمان تصرف قدرت از سوی امین بلند رفت. این اطلاعاتی همچنان خاطر نشان میکرد که مشاورین در همه سطوح فرماندهی ارتش افغان دخیل بودند، به شمول دست کم تعدادی از واحدهای در سطح هنگ و گردان که مشغول جنگ بودند.⁸⁴

ارزیابی بین سازمانی داشتن دو گزینه متفاوت را در افغانستان برای نظامیان شوروی بر شمرده بود: زیر پوشش گرفتن نوعی از حمایت ظرفیتی، با یاری رسانیدن در یک کارزار نظامی ایکه اساساً از سوی ارتش افغان پیش برده می شوند، یا تدارک یک دخالت با مقیاس بزرگ که در آن نیروهای شوروی اکثریت عملیات جنگی را به عهده بگیرند. عملکردهای بالقوه شامل کتگوری اول عبارت بودند از:



تجمع نیروها در سرحدات افغانستان(ترنینی)

1. افزایش مهمات و مشاورین، یک جا با اجازه شرکت بیشتر گسترده مشاورین در جنگ و حمایت هوایی جنگی و در ترانسپورت نیروی بشری و مواد در داخل افغانستان از طریق هوا؛ 2. دخالت محدود واحد های جنگی و خدمات حمایتی جنگی، به شمول واحدهای هلی کوپترهای تعرضی و اجزای لجستیکی حمایتی و حفظ و مراقبتی برای بهتر سازی "دسترسی و مؤثریت رزمندگان" افغان؛ 3. دخالت محدود با واحدهای رزمی شوروی برای تأمین امنیت برای کابل و شهرهای کلیدی و نقاط حساس، و احتمالاً فعالیت کردن بطور گزینشی در عملیات جنگی در پهلوی واحدهای ارتش افغان برای تحکیم اراده شان.⁸⁵

برای انجام هرکاری و برای تأمین امنیت کابل و تعداد اندکی شهرهای کلیدی یا نقاط حیاتی، ارزیابی استخباراتی بین سازمانی به شوروی تنها شناس کتگوری دومی بدیل های نظامی را ارایه میکرد- یعنی مقید کردن تعداد زیادی نیروهای زمینی در یک عملیات بالقوه نامحدود.

به حیث یک قضیه عملی، سه روند عمل ادعا شده در تحت کتگوری نخست تناوبی(فرعی) نه ، بلکه درجه بندی درگیری های نظامی افزایش یابنده بودند، و چاره(گزینه) عبارت از آن بود که چه مقدار و با چه سرعت باید پیش رفت. همه این حرکات برای آن طرح شده بودند تا به ارتش افغان در شکست دادن نیروهای شورشی کمک کرده و همه شان برای پشت گرم کردن ارتش افغان در به عهده گرفتن عملیات نظامی در سطح ملی طرح شده بودند. بدین ترتیب، رکن اساسی میل و توانائی مسکو برای دست یازیدن به یک یا چندین تایی این مراحل، به قول تحلیل گران استخباراتی، مربوط بود به ارزیابی مسکو از وفاداری وانسجام ارتش افغان.⁸⁶

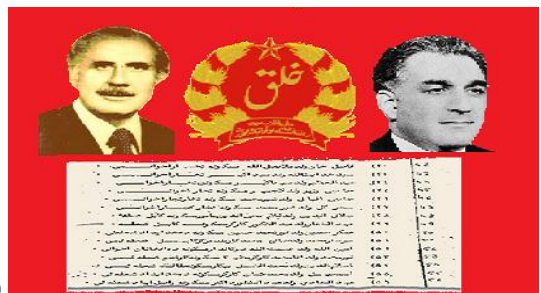


دروازه زندان پلچرخي این مقتل گاه مردم(ترزینی)

تحلیل گران همچنان معتقد بودند که، حتی برای بدیل‌های محدود حمایتی جنگی، شوروی ها نیاز به حرکت محتاطانه داشتند تا مبادا نیروهای افغان را، که برای ایفای نقش مهم جنگی بر آن متکی بودند، بجای تحکیم و تقویت ناخشنود نمایند. به همین دلیل، توقع برده می شد تا این کار(بدیل های محدود حمایتی جنگی) را بصورت افزایشی(تصاعدی) انجام بدهند، با آغاز از اندک گردانها و کم کم فراهم کردن در حد یک یا دو فرقه هوائی در بیشترینه تعداد. فرقه هوائی 105-ام گارد- مشاهده شده در فعالیت های آمادگی در طی دگرگونی های شدید در افغانستان، و با وضعیت کامل اکمالاتی تا حد 7900 عسکر- حدس زده می شد تا محتمل ترین نیروئی باشد که وارد صحنه شود.⁸⁷

یکی از مسلم فرض کردنیهای استثنائی که شاید باعث حرکت بیشتر سریع شوروی ها گردید می تواند واکنش شدید در برابر کودتای امین باشد که جنگ های شدیدی را در پای تخت برانگیخت. در یک چنین موقعیتی، مطابق ارزیابی استخباراتی، شوروی ها احتمالاً آماده می شدند تا یک یا دو فرقه های بیشتر هوائی را در کابل و نزدیکی های آن مستقر نمایند تا از شوروی های از قبل موجود در آنجا حمایت و نیز رژیم تحت حمایت شوروی را حفظ نمایند.(باردیگر، آماده شوی های فرقه 105-ام هوائی گارد یقیناً چنین طرزى دیدی را تقویت میکرد.)

در صورت متلاشی شدن ارتش افغان، به قول این تحلیل، مسکو با دور نمائی روبرو خواهد شد که حفظ کردن رژیم فعلی افغان به معنی آن خواهد بود که نقش رهبری کننده در جنگ علیه شورشگری را خودش بدوش بگیرد- یعنی آنچه که این ارزیابی همچون دخالت"گسترده" نظامی شوروی توصیف کرده بود. رفتن واحدهای نیروی زمینی شوروی به افغانستان با مخالفت مسلحانه نه تنها از سوی شورشیان بلکه از سوی ناراضی ارتش افغان مواجه خواهند شد.



قسمتی از لست قربانیان در رژیم خلقی(ترزینی)

اطلاعیه استخباراتی بین‌الزمانی یک چنین قول و قراری از سوی شوروی‌ها را به حیث "یک" عملیات چندین فرقه‌ای" توصیف نموده بود که ایجاب نیروی بیشتر از چهار فرقه (زمینی) و یک فرقه هوایی (105-ام) مستقر در ناحیه نظامی ترکستان را می‌نمود. این اطلاعیه برجسته می‌کرد که یک تعداد فرقه‌های اضافی را می‌شد از ناحیه نظامی نزدیک آسیای میانه مقابل ولایت سنکیانگ چین (بدین منظور) بیرون کشید، اما گزارش حاکی بود که شوروی‌ها احتمالاً در تضعیف موقعیت شان در آنجا بی‌میل خواهند بود. مطابق این ارزیابی "بنابراین، یک عملیاتی با این مقیاس نیازمند دوباره-مستقرسازی نیروها- و عناصر حمایتی آن- از نواحی نظامی غربی و مرکزی [اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی] است، در پهلوی آنهایی که از قبل در نزدیکی سرحد شوروی-افغان قرار دارند." 89

اطلاعیه می‌گفت مسکو داشت درپیش از کودتای امین آماده می‌شد تا نوعی از کمک جنگی خیلی کمتر از حد لازم از دخالت مهم را ارایه نماید که این ارزیابی آن را به حیث "عملیات چندین فرقه‌ای نیروی زمینی" تعریف نموده بود. با در نظر داشت بلا تکلیفی فوری به تعقیب کودتا، هرگونه حرکتی از این دست احتمالاً معوق ساخته شد، بقول این اطلاعیه، تا اینکه شوروی‌ها مجاب شدند که امین موقعیت اش را تحکیم خواهد کرد. اما همین که مسکو احساس دلگرمی کرد که او چنین کرده است، بقول تحلیل‌گران بین‌الزمانی، خواسته رهبران شوروی برای مواجه شدن با یک گزینه همه-یا-هیچ باعث خواهد شد تا آنها حمایت جنگی شان را تا به حدی افزایش بخشند، که اطلاعیه آن را به حیث یک "قطره پاشی" واحدهای جنگی شوروی متمایز نموده بود.



تمبر پستی به مناسبت "انقلاب ثور" در رژیم خلق، نوشته‌های آن قابل دقت اند (ترژیینی)

در صورتی که، برآستی، ارتش افغان متلاشی می‌شد، و مسکو با یک وضعیتی مواجه می‌شد که تنها دخالت با مقیاس وسیع توسط عساکر شوروی می‌توانست رژیم را نجات بدهد، تحلیل‌گران استخباراتی نتیجه‌گیری کردند که رهبران شوروی با بیشترین احتمال مجبور بودند تا از رژیم خلق دست بکشند، نسبت به اینکه بخواهند تا بهای اشغال را متحمل شوند. چاره اول شان این خواهد بود که تا یک گزینه قدری دوام‌پذیری را بجای امین بیابند، اما اگر چنین یک جناحی به چشم نه خورد، بقول تحلیل‌گران، "شوروی‌ها گمارش یک رژیم میانه روی که خواهان تعامل با آنان باشد را روی دست خواهند گرفت." تحلیل‌گران استخباراتی اذعان کردند که دست کشیدن از یک رژیم کمونیستی که مسکو با چنان تظاهراتی حمایت‌گرش بوده از سوی تعداد زیادی رهبران شوروی به حیث زیان و خسارانی به (حیثیت) اتحاد جماهیر شوروی نگریسته خواهد شد. گرچه شوروی‌ها می‌توانستند با ایستاده شدن در عقب این پالیسی شان و ملامت کردن کمونیست‌های افغان برای عدم تعقیب رهنمودهای مسکو تا حدی از این کار عدول نمایند.

برای مقایسه، به قول تحلیل استخباراتی، بهای یک اشغال شامل اینها خواهد بود:

"یک گودال و وظیفه‌ی نامحدود سرکوب شورشگری افغان در یک سرزمین نا هموار. شوروی‌ها همچنان (می‌بایست) دورنمای احتمالی ای که آنها با یک جمعیت به طور روزافزون کین‌توز و ضد-شوروی در مجادله خواهند بود را مدنظر داشته باشند. اتحاد جماهیر شوروی سپس بایست احتمال یک عکس‌العمل معکوس را در غرب مدنظر بگیرد، همچنین پیچیدگی بیشتر (روابط) با ایران، هند، و پاکستان را. مسکو همچنان باید تا تأثیرات منفی در دیگر جای‌های دنیای اسلام در باره حضور گسترده نظامی در افغانستان را سبک و سنگین نماید ... استفاده آشکار از نیروی نظامی شوروی علیه یک جمعیت آسیائی همچنان تدارک قابل ملاحظه سرمایه‌سیاسی چین را در پی خواهد داشت."

برای موازنه، اطلاعیه استخباراتی بین‌الزمانی (با هیچ مخالفتی) نتیجه‌گیری کرد که مسکو معتقد نیست که حفظ رژیم فعلی خلق یا حتی یک رژیم دیگر ارزش پرداختن این بهار داشته باشد. جملات آخری اطلاعیه فهرستی مثالی از

وضعیت هائی را می آورد که در آن شانس "بالتوجه بزرگتر" ای که مسکو خواهان "پرداختن بهای دخالت نظامی با مقیاس گسترده و طولانی مدت" شمرده شده است. مثالهای از نوع "دورنمای استقرار یک رژیم ضد-شوروی"، مداخلات نظامی خارجی" و "بدرازا کشیدن هرج و مرج سیاسی" می شود.⁹⁰ در روشنی حوادثی که نهایتاً واقع شدنی اند، باید وضعیتی را مورد توجه قرار داد که "هرج و مرج طولانی مدت" با سناریوهای حداکثر دخالت (بیرونی) همراه خواهند بود.

ارزیابی بین سازمانی به فعالیت هائی نه پرداخته بود که در فرقه هوائی یا در هر سه از جمله چهار فرقه های موتوریزه تفنگدار در ناحیه نظامی ترکستان مشاهده شده بودند. نه هم اشاره ای به آماده باش فرقه های واقع در مرکز و غرب اتحاد جماهیر شوروی در طی مدت بحران در افغانستان نموده بود. یگانه اظهار نظر راجع به چگونگی و فعالیت های نیروهای شوروی عبارت بود از نتیجه گیری ای که "ما شاهد علایمی نبوده ایم که شوروی ها در برهه (مرحله) آماده سازی نیروهای زمینی برای یک دخالت با مقیاس گسترده در افغانستان باشند". منظور از "مقیاس گسترده" اطلاعیه احتمالاً عبارت از اشاره به نیروی "چندین-فرقه ئی" توصیف شده در بالا بود.

76. Foreign Broadcast Information Service (FBIS), Middle East edition, 15 September 1979, p. S1; declassified cable, US Embassy Kabul 6874, 15 September 1979. Much of this was described in western media a few days later. See "New Afghan Leader, Taking Over, Pledges Better Social Order," *The New York Times*, 18 September 1979, p. A18.

77. FBIS, Middle East edition, 17 September 1979, pp. S1-2.

78. IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, pp. 20 and 47. See especially the reference on p. 20 to a division also known as the "54th MRD." The interpretation of this text is based in part on the author's participation in the analysis. According to the author's recollection, this division was located at Dushambe, and was more commonly known as the 201st MRD. In fact, the IIM later (on p.47) lists the 201st as one of the divisions observed engaging in preparatory measures, although a date is not given.

79. "US Sees More Soviet Activity," *The New York Times*, 20 September 1979, p. A10. See also State Department cable 250373 of 22 September 1979, Nobel Compendium.

80. Brzezinski, *Power and Principle*, p. 428; Gates, *From the Shadows*, p. 133; Brzezinski Memo, 20 September 1979, Nobel Compendium-Additional Materials, National Security Archive.

81. Declassified cables US Embassy Kabul 6914, 16 September 1979; Kabul 6936, 17 September 1979; Kabul 6959, 18 September 1979; Kabul 7025, 20 September 1979; Islamabad 10745, 20 September 1979; Kabul 7281, 2 October 1979; Ankara 7966, 25 October 1979, and Kabul 7784, 30 October 1979. Also "New Afghan Head Called Survivor," *The New York Times*, 20 September 1979, p. A10, and IIM, *Soviet Options in Afghanistan*, p.16. Successor regimes in Afghanistan, participants and scholars have added detail and conspiratorial nuance to this rendition, but do not change the main outlines of the picture that emerged at the time.

82. Declassified cables US Embassy Kabul 6936, 7025; and 7784; Ankara 7966; and *The New York Times*, 20 September 1979, op. cit.

83. Declassified cables US Embassy Kabul 6936 and Kabul 6978, 18 September 1979, Nobel Compendium; *The New York Times*, 18 September 1979, p. A18; IIM, *Soviet Options in Afghanistan*, Key Judgments, pp. 1-2 and text p. 4. This Interagency Intelligence Memorandum was disseminated on 28 September 1979 in response to Brzezinski's 20 September request for an assessment. Indicative of the contrasting views in Washington at the time, former Secretary of State Vance, in *Hard Choices*, pp. 385-386, says the Soviets "no doubt hoped [Amin] would be more effective [than Taraki] in prosecuting the war."

84. IIM, *Soviet Options in Afghanistan*, p. 6. The assessment noted that these figures did not include some 3,600 additional troops that, according to an unconfirmed report from one clandestine source, had been moved to Kabul to protect Soviet citizens and facilities. See also US Embassy Kabul 7319, 3 October 1979, Nobel Compendium. (Later intelligence assessments judged this unsupported information to be probably untrue or, at a minimum, exaggerated. See IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, p. 20).

85. *Ibid.* , pp. 10-12.

86. *Ibid.* , p. 17.

87. *Ibid.* , p. 11.

88. *Ibid.* , p. 16.

89. *Ibid.* , pp. 12-13.

90. *Ibid.* , pp. 15-17; see also the "Key Judgments," pp. 2-3.

ختم قسمت -6، ادامه دارد